نگاه

مسئولیت مدنی دولت در پرونده پاکدشت

محسن قربانی*

در روزنامه‌های ۸۵/۱/۱۹ خبری درج شد مبنی بر «پرداخت دیه قربانیان حادثه پاکدشت توسط دولت» . خبر در مجموع مسرت‌بخش بود . پرداخت خسارت به خانواده‌هایی که از بی‌نظمی اجتماعی ضررهای معنوی غیرقابل جبرانی را متحمل شده‌اند می‌تواند امیدوارکننده باشد . خصوصاً آنکه خانواده‌های مذکور از طبقات کم‌درآمد جامعه هستند و دریافت این مبالغ می‌تواند برای زندگی ایشان گره‌گشا باشد .

اما گذشته از بازتاب شخصی این اقدام توسط دولت برای خانواده‌های قربانیان با تحلیل حقوقی موضوع با دو سئوال و به عبارتی ابهام روبه‌رو هستیم که درخور پاسخ شایسته از سوی مسئولین مربوطه است .

اول آنکه : عنوان این پرداخت «دیه» اعلام شده است . با دقت در قوانین موجود (خصوصاً قانون مجازات اسلامی) درمی‌یابیم که موارد پرداخت دیه توسط بیت‌المال معین شده است که مهم‌ترین این موارد عبارتند از : ۱- تقصیر یا اشتباه قاضی (ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی) ۲- فرار مرتکب قتل عمد و مردن او و نداشتن مال و نزدیکان یا عدم تمکن آنها (ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی) ۳- در مواردی از قسامه چنانچه برائت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد . (ذیل ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی) ۴- نداشتن عاقله یا عدم تمکن او (ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی) ۵- تیراندازی مامور نظامی یا انتظامی (ماده ۳۳۲قانون مجازات اسلامی) ۶- کشته شدن شخص در ازدحام یا یافتن جسد مقتول در شارع عام [خیابان] (ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی) ۷- موضوع اقرار به قتل عمدی و برگشت از آن پس از اقرار دیگری به قتل عمدی همان مقتول (ماده ۲۳۶ قانون مجازات اسلامی) پس پرداخت دیه از بیت‌المال در موردی که قاتل قصاص نیز شده است در مواد قانونی پیش‌بینی نشده است ، لذا این اشکال وارد است که اگر عنوان این پرداخت را «دیه» بدانیم ، این عمل دولت فاقد مبنای قانونی است و در نتیجه از اعتبار حقوقی برخوردار نیست .

دوم : ممکن است چنین اظهارنظر شود که مبالغ پرداختی جبران خسارت به بازماندگان به واسطه و تقصیر و اهمال دولت در ایجاد نظم و حفظ امنیت شهروندان است و دیه به معنای خاص خود نیست . اگر چنین فرضی را بپذیریم جای خوشوقتی خواهد بود که مفهوم «مسئولیت مدنی دولت» رنگ و جلوه‌ای عملی نیز به خود گرفته و دولت پذیرفته است که «هرگاه علت ورود زیان بود خسارت بپردازد» . اما پذیرش چنین فرضی هر چند خوشایند اما کمی دشوار به نظر می‌رسد چه در عمل مواردی وجود دارند که دولت عامل ورود زیان شناخته شده و به پرداخت خسارت نیز محکوم شده اما به شیوه‌های گوناگون از اجرای حکم سر باز زده است . نمونه بارز این رفتار دولت برخورد با مسئله بیماران هموفیلی است که به‌رغم محکومیت وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون تا این زمان حکم پرداخت دیه به آلوده‌شدگان فرآورده‌های خونی- که ۱۳۲نفر از ایشان فوت کرده و تعدادی نیز با مرگ فاصله چندانی ندارند- اجرا نشده است . حتی وزیر وقت بهداشت از عذرخواهی از بیماران آلوده شده ـ با وجود الزام وزارتخانه به عذرخواهی رسمی در حکم مذکور- طفره رفته است . از طرف دیگر باید مشخص شود که آیا پرداخت خسارت از طرف دولت در موارد مشابه که ناشی از اهمال و غفلت و تقصیر مجموعه‌های دولتی است تبدیل به یک رویه ثابت خواهد شد و یا صرفاً به دلیل حساسیت‌های بالای اجتماعی و احساسی رسیدگی ویژه به پرونده پاکدشت اقدامی برای فرونشاندن اعتراض‌های مقطعی نسبت به قصور دولت بود . جرقه‌ای که به سرعت خاموش و بی‌اثر خواهد شد! بی‌گمان می‌توان از این پس وجوه مثبت نهادهای سنتی چون دیه را برجسته کرد و در جایی که رقم پرداختی واقعی براساس زمان پرداخت معین می‌شود و مسئله تورم را می‌پوشاند و دولت را در وضعیتی قرار می‌دهد که نتواند از معافیت پیش‌بینی محکومیت خود در سال‌های آینده به زیان افراد استفاده کند ، می‌توان از این نهاد جهت ارائه رهیافت‌های اجتماعی جدید و مسائل نوینی که دیگر در حقوق ما آرمان و افسانه نیستند و به واقعیت تبدیل شده‌اند از قبیل «مسئولیت مدنی دولت» ، «خسارت معنوی» ، «پرداخت بابت تقصیر در ایجاد امنیت» و . . . بهره گرفت . اگر موضوع پرداخت دیه پاکدشت سرسری گرفته شده و تحلیل حقوقی مناسب ارائه نشود ، یا باید با رویکرد منفی به استناد نبودن معنای قانونی برای این پرداخت آن را غیرموجه دانست و یا با دیدن نیمه پر لیوان نگاهی مثبت داشت و آن را گامی از سوی دولت در جهت جبران خسارت ناشی از نقص در سیستم‌های نظامی و امنیتی دانست . بی‌گمان خود مسئولان نیز رویکرد دوم را به عنوان مستند اقدام خویش انتخاب خواهند کرد و بدین ترتیب راه برای تحقق عملی در مسائل نوین حقوقی اجتماعی هموار خواهد شد . در حال حاضر گرچه با شکایت اولیای دم ولی در هر صورت به عنوان یک امر عمومی مامورین خاطی در پیشگاه عدالت در معرض پرسش‌اند و پرونده پاکدشت در این خصوص همچنان مفتوح است . این نشانه دیگری است بر آنکه دولت با پذیرش تقصیر خود درباره قربانیان جبران خسارت کرده و حال به دنبال پیدا کردن مسئول انسانی حادثه است تا مجازات اداری و کیفری لازم را اعمال نماید .

* کارآموز وکالت

دکتر آشوری: متهم حق سکوت دارد

آیین دادرسی

سمیرا وکیلی : «اجبار اشخاص به شهادت و اقرار ممنوع است و به چنین شهادت یا اقراری ترتیب اثر داده نخواهد شد . » دکتر محمد آشوری استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران که با عنوان بررسی تحولات آیین دادرسی کیفری در دانشگاه شهید بهشتی سخن می‌گفت با بیان مفاد اصل ۳۸ قانون اساسی ایران به ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اشاره کرد و گفت : «این ماده برای شاهد ۳ تکلیف شامل ۱)حضور ؛ ۲) سوگند یاد کردن ؛ ۳) گفتن تمام حقیقت مقرر کرده است که در دنباله این ماده آمده است اگر شاهد حاضر نشد در دادگاه حضور یابد و صحبت نکند جلب شده و به جزای نقدی محکوم می‌شود . » آشوری با اشاره به ریشه فقهی شهادت به توصیه‌هایی همچون عبارت «شهادت را پنهان نکنیم» به‌عنوان یک امر عقلانی که گاهی برای اثبات جرم ضرورت دارد اشاره کرد و گفت : «اگر شاهد حضور پیدا نکند بازپرس می‌تواند او را جلب کند مثلاً اگر او سوگند خورد اما باز چیزی نگفت وکیل مدافع می‌تواند به اصل ۳۸ قانون اساسی استناد کند که در این مواقع نمی‌توان شاهد را مجبور به حرف زدن کرد . » وی درباره مبنای اصول ۳۲ به بعد قانون اساسی از جمله اصل ۳۸ آن تصریح کرد : «مفاد این اصول از میثاق حقوق بین‌المللی مدنی ـ سیاسی اخذ شده و تدوین‌کنندگان قانون اساسی به میثاق مدنی ـ سیاسی توجه داشتند که در سال ۱۳۵۴ این قانون به تصویب مجلس قانونگذاری رسیده است و جزء قوانین موضوعه محسوب می‌شود . »

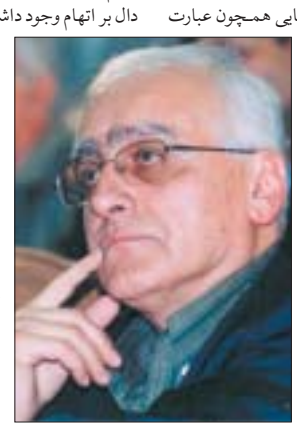

آشوری گفت : «با توجه به اینکه در ماده ۱۴ میثاق آمده است هرکس حق دارد به دادخواهی او رسیدگی شود ، شرایط آن را ذکر کرده و در بند دیگر گفته است که مجبور نشود علیه خود شهادت بدهد و به مجرم بودن اعتراف کند . » سخنران افزود : «این میثاق همانند اعلامیه حقوق بشر به حقوق آنگلوساکسون توجه داشته است نه حقوق ژرمنی . وقتی متهم خود را بی‌گناه می‌داند و دادستان هنگامی که اتهامات را به متهم وارد می‌کند باید دلایل اتهام خود را به اثبات برساند و یا از شاهد به عنوان دلیل اثبات استفاده می‌کند . » وی با اشاره به اینکه دادگاه آنگلوساکسون به صورت تدافعی و شفاهی برگزار می‌شود ، گفت : «وکیل مدافع هم در مقابل از حق استفاده از شاهد و استناد به شهادت او برخوردار است و شاهد را مورد پرسش قرار می‌دهد همچنان که یکی دیگر از ویژگی‌های دادگاه‌های آنگلوساکسون این است که متهم می‌تواند بخواهد که به عنوان شاهد در جایگاه شهود قرار بگیرد و برای اثبات موضوع مطالبی را که باید به سمع هیات منصفه برسد با تحت پرسش قرارگرفتن بیان کند . » آشوری با بیان اینکه اصل ۳۸ از میثاق گرفته شده و میثاق حقوق مدنی و سیاسی از قانون آنگلوساکسون تاکید کرد : «به نظر من باید برای امتناع از ادای شهادت مجازات در نظر گرفته شود . »

■ **شاهد برخوردار از معاضدت وکیل**

آشوری به ماده ۱۱۳ قانون فرانسه و احضار شاهد نزد بازپرس اشاره کرد و گفت : «گاهی قرائنی علیه شخصی دال بر مجرمیت وجود دارد و به عنوان مطلع به بازپرسی احضار شده مورد پرسش قرار می‌گیرد و بعد از مدتی او را متهم می‌کنیم ، که من از آن به‌عنوان تاخیر در تفهیم اتهام نام می‌برم . » وی با بیان اینکه بازپرسان فرانسه چنین رویه‌ای داشتند و حقوقدانان هم همیشه این رویه را مورد انکار قرار می‌دادند ، افزود : «متهم دارای حقوقی است که شاهد فاقد آن است . متهم حق سکوت دارد ، حق انتخاب وکیل دارد و حتی می‌تواند دروغ بگوید . اما شاهد حق سکوت ندارد و باید صحبت کند و اطلاعات خود را در اختیار دستگاه قضایی قرار بدهد . چرا که شاهد وکیلی در اختیار ندارد و در یک جمله از حقوق دفاعی برخوردار نیست که در بسیاری از سیستم‌های قضایی حتی سیستم قضایی ما اینگونه است . »

آشوری با اشاره به آنکه بازپرس افراد را به‌عنوان شاهد یا متهم مورد بازجویی قرار می‌دهد ، گفت : «اگر دلایل کافی دال بر اتهام وجود داشته باشد مکلف به تفهیم اتهام است که بعد از تفهیم اتهام حقوق دفاعی شروع می‌شود و اگر تفهیم اتهام نشده باشد حق ندارد کسی را به‌عنوان شاهد احضار کند مگر اینکه به او بگوید به‌عنوان شاهد مورد پرسش قرار می‌گیرد و دارای حقوقی است مثل داشتن وکیل . » آشوری با تصریح بر اینکه وکیل شاهد دارای همان اختیاراتی است که وکیل متهم دارد ، تاکید کرد : «او می‌تواند پرونده را مطالعه کند و نکته مهمتر اینکه هیچ استماعی از شاهد بدون حضور وکیل وی نمی‌شود . » وی با اشاره به اینکه شاهد حق دارد از بازپرس درخواست کند که او به عنوان متهم مورد بازجویی قرار بگیرد . این خواسته را حق شاکی و مصلحت سنجی او دانست که به‌عنوان متهم مورد بازجویی قرار بگیرد . چنین شاهدی را نمی‌توان بازداشت موقت کرد و یا تحت کنترل قضایی قرار داد مگر اینکه تفهیم اتهام بشود که در این صورت قرار بازداشت و یا دستور آزادی موقت صادر می‌شود .

■ **دادرسی منصفانه**

رئیس موسسه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران گفت : «ما ۲۵ سال تصور می‌کردیم که با تصویب قوانین ماهوی و ناظر به جرم و مجازات عدالت اجرا می‌شود و فراموش کردیم چنانچه جرائم تناسبی با مجازات‌ها نداشته باشند خود بخش دیگری از بی‌عدالتی است . »

آشوری گفت : «در ماده ۱۴ میثاق مدنی ـ سیاسی آمده است که همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند . هرکس حق دارد به دادخواهی او منصفانه و علنی و در یک دادگاه صالح ، مستقل و بی‌طرف تشکیل شده به موجب قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهام جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید . »وی با بیان اینکه تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی در یک جامعه دموکراتیک را مصلحت ایجاد می‌کند ، افزود : «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شود باید بی‌گناه فرض شود (اصل برائت) و هرکس به ارتکاب جرمی متهم بشود باید با تساوی کامل از تضمین‌های زیر برخوردار بشود : در اسرع وقت به زبانی که می‌فهمد تفهیم اتهام شود ، تسهیلات لازم برای دفاع را در اختیار داشته باشد و بدون تاخیر در مورد او قضاوت شود و دیگر اینکه مجبور نشود علیه خود شهادت دهد یا به مجرم بودن اعتراف کند . » آشوری با استناد به یکی از اسناد بین‌المللی گفت : «همه اشخاص حق دارند به دعواهایشان در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف که طبق موازین قانونی ایجاد شده باشد به‌طور منصفانه و علنی و در مهلت معقول رسیدگی شود . »

مغایرت صلاحیت شورای حل اختلاف با قانون اساسی

حمیدرضا سلمانیان* : بر کسی پوشیده نیست که گذر زمان بشر را خواسته یا ناخواسته در معرض آزمون‌های متعددی قرار می‌دهد که نتیجه حاصل در قالب تجارب گرانبها به دیگران و نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد . در حالی که ما امروز از پیروزی و شکست آنها برای رسیدن به مطلوب و لغزش کمتر بهره می‌جوییم علم حقوق ، قانونگذاری و یا شیوه اجرای عدالت ، نه تنها از این قاعده مستثنی نیست بلکه از آنجا که زمینه ساز ایجاد آرامش و اطمینان در جامعه است بیش از سایر علوم نیازمند توجه به دستاوردهای گذشتگان و سایر جوامع است . همچون نهالی که در محیط مناسب رشد و اجرای عدالت را مهیا می‌کند . تا جایی که از متفکران بزرگ نقل است که اگر می‌خواهید به درصد پیشرفت و ترقی کشوری پی ببرید ، آیین دادرسی محاکم آن را بخوانید . تاریخ گواه آن است که بشر در جهت تحقق آرمان عدالت‌خواهی چه بسیار راه‌ها را که نیازموده و چه نظریه‌ها که نداده است و مردم جهت نیل به عدالت و اثبات نادرستی دستگاه قضایی چه جانفشانی‌ها که نکرده‌اند و در این راه با اندک توان خود در مقابل نیرو و قدرت عظیم قوه حاکمه به مقابله برخاسته‌اند . سوابق ما در این زمینه بی‌شک بر جهانیان برتری دارد . زیرا از طرفی از چنان پیشینه و تمدنی برخورداریم که در عصر خود الگوی سایر حاکمان بوده‌ایم و از طرف دیگر متکی و آگاه به مذهبی هستیم که فرامین دقیق و احکام مدلل و حاکمان عادلی همچون امام علی(ع) را همچون گنجینه‌ای گرانبها در خود نهفته است .

نگاه صحیح و دقیق به تجارب گذشته و آنچه جهانیان اندوخته‌اند ما را از بسیاری از آزمون‌ها و خطاها بی‌نیاز می‌سازد . مضافاً اینکه پس از انقلاب اسلامی نیز راهکارهای بسیاری در جهت نیل به عدالت آزموده شد .

بی‌تردید آنچه نقطه مشترک تمامی نظام‌های قضایی با هر ایده و سابقه‌ای می‌باشد آن است که برای برقراری عدالت نیازمند افرادی هستیم با شرایط خاص ، صفات ، خصوصیات و دانش ویژه و همچنین آیین و شیوه‌ای که همچون ریل قطار ما را به سر منزل مقصود که همانا عدالت است راهنمایی کند . از همین رو است که کشورها برای هر کدام از این موارد قوانینی وضع کرده‌اند . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در مقدمه خود با پیش‌بینی ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل بر این موضوع تاکید می‌کند . اما به جای استفاده از تجربه خود و دیگران ، شاهد تشکیل شوراهای حل اختلاف هستیم که به منظور رسیدگی به پرونده‌هایی که ماهیت قضایی ندارند یا از پیچیدگی کمتری برخوردارند بسیاری از دعاوی در صلاحیت! آن قرار داده شده است . رسیدگی در اختیار افرادی است که یا بی‌بهره از دانش حقوق هستند و یا اگر هم بهره‌مند باشند شرایط احراز مسند قضا را ندارند . دقت و حساسیت دستگاه قضایی در انتخاب قضات حداقل در میان دانش‌آموختگان رشته حقوق شهره است . اما آیا انتخاب اعضای این شوراها هم با همان دقت صورت پذیرفته است؟

دادگاه

از جمله دلایلی که برای این شیوه رسیدگی (در شورای اختلاف کنونی) ارائه می‌شود ، کاهش مراجعات به محاکم قضایی است . مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است . بنابراین به مجرد اینکه اشخاص با یکدیگر تعارض منافع پیدا کنند حق دارند که به دادگستری مراجعه و از امکانات ، توان و خصوصاً دانش تخصصی قضات بهره‌مند شوند . وظیفه دستگاه قضایی ایجاب می‌کند صرف‌نظر از «جنبه مالی و مهم یا غیر مهم بودن موضوع» با دقت و با تمام قوا به گونه‌ای رسیدگی کند که مظلوم به داشتن چنین پشتوانه‌ای «غره» و ظالم از وجود آن دچار یاس و ناامیدی شود . تفکیک دعاوی ، دادگستری را مختص اقشاری خاص نشان می‌دهد . چه بسیارند افرادی که تمام زندگی آنها به یک میلیون تومان نمی‌رسد تا چه رسد به دعاوی آنها . آیا در صورت ظلم به آنها ، حق مراجعه به دادگستری را ندارند؟ چه بسیارند افرادی که در طول عمر خود یک بار آن هم به دلیل تخلیه خانه مسکونی ناچار از مراجعه به دستگاه قضایی می‌شوند . آیا حق مراجعه به قاضی متخصص و برخورداری از دادرسی عادلانه می‌بایست از آنها سلب شود . مشکل آنجا دو چندان می‌شود که محاکم دادگستری از پذیرش آنچه به اصطلاح «در صلاحیت شوراهای حل اختلاف قرار گرفته است» امتناع می‌کنند . این امتناع نه تنها وجه قانونی ندارد بلکه دارای ضمانت اجرای کیفری هم هست . از جمله ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی که در این باره مجازات تعزیری هم تعیین کرده است . حق مسلم و اولیه افراد که قانون اساسی نیز در اصل ۳۴ بدان اشاره کرده است دادخواهی است . دادخواهی حق مسلم هر فرد است . هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند . همه افراد حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد . آیین دادرسی نیز تامین‌کننده حقوق اصحاب دعوا بوده و حاوی اصول و تشریفاتی است که با رعایت آنها می‌توان مدعی شد عدالت حفظ شده است . اصول دادرسی در تمامی دعاوی وجود داشته و می‌بایست مراعات شود . بررسی و استنتاج این اصول علاوه بر دانش حقوقی نیازمند قوه استنباط است که متقاضیان مشاغل قضایی از این حیث مورد آزمایش قرار می‌گیرند . بنابراین نمی‌توان اختلافی را فرض کرد که ماهیت قضایی و حقوقی نداشته باشد و آن را به دست افراد غیرمتخصص سپرد . اختلاف هنگامی محقق می‌شود که هر کدام از افراد برای خود حقی را متصور هستند . رسیدگی به این حقوق ادعایی ، امری است فنی و لازمه آن رعایت اصول و تشریفاتی است .

به موجب قانون اساسی رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات و حل و فصل دعاوی از جمله وظایف دستگاه قضایی است . تشکیل شوراهای حل اختلاف به منظور کاهش مراجعات به محاکم قضایی نه تنها نقض غرض است بلکه تجربه نشان داده است رسیدگی غیرفنی و غیرکارشناسی به دعاوی یا رسیدگی مجدد را ایجاب کرده و یا موجب اختلافات دیگری علاوه بر موضوع اصلی شده است . بروز اختلاف و دعوی امری است واقعی و برخاسته از مسائل اقتصادی ، فرهنگی و عوامل متعدد دیگر . برای استقرار عدالت آن هم در تمام دعوی می‌بایست چاره‌اندیشی کرد نه آنکه با بستن راه ، سیل خروشان را به سمت رودخانه‌ای هدایت کرد که نه توان آن را دارد و نه گنجایش آن را .

* وکیل پایه یک دادگستری

دشوارنویسی در آرای قضایی

رای

گاه متن رای دادگاه چنان نوشته می‌شود که یا فهم آن را دشوار می‌کند یا در نگارش آن از واژه‌ها و جمله‌هایی - فارسی یا عربی- استفاده می‌شود که علاوه بر اشکال در یافتن معنا ، به کار بردن چنین عباراتی نامناسب و غیرضروری جلوه می‌دهد . متنی که می‌خوانید نمونه چنین آرایی است .

■ **رای دادگاه**

درخصوص دعوی خانم «الف» به طرفیت آقای «ب» به خواسته (صدور گواهی عدم امکان سازش به شرح دادخواست تقدیمی) دادگاه نظر به اینکه در خلال اظهارات معنونه زوجین به نحو مضبوط در پرونده خصوصاً اظهارات مکتوب در صورت‌مجلس مورخه ۸۳/۱/۱۹ تقاضای متقاضیه مبنی بر امر طلاق مفتقر به ارضیه تسویت آن می‌باشد و مدعیه من حیث مزبور مستمسکه مقتضیه را تقدیم ننموده لذا به استناد مفهوم مخالف صدر ماده ۱۲۵۷ از قانون مدنی به رد دعوی موصوفه اظهارنظر می‌گردد . دادگاه درخصوص شق ثانی ادعای مدعیه به طرفیت مدعی علیه فوق‌الذکر مبنی بر سلب حضانت طفل مشترک ملحصاً با این وصف ثمره ازدواج با خوانده یک دختر ۱۲ ساله به‌نام «ج» می‌باشد . طفله نزد ولی خود می‌باشد . خواهان سلب حضانت مشارالیه می‌باشد ، محکمه با توجه به حدوث اختلاف در حضانت طفله فیمابین والدین مستنداً به تبصره ماده ۱۱۶۹ از قانون مدنی ولی را محق به استمرار حضانت اعلام می‌نماید . رای صادره حضوری و ظرف ۲۰روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم استان خوزستان می‌باشد . رئیس دادگاه خانواده شهرستان . . .

ثبت تخلف توسط پارکبان غیرقانونی است

فرشاد خلعتبری

پلیس

هنوز مدت زیادی از تصمیم نیروی انتظامی نگذشته است که طبق آن می‌بایست فضای پارک برای اتومبیل‌ها به طور مساوی بین شهروندان تقسیم گردد . متعاقب آن واحدهایی تحت عنوان پارکبانی ایجاد شد و در اکثر نقاط کلانشهر تهران استقرار پیدا کرد که افرادی نیز به عنوان پارکبان در محل پارکبانی مستقر شدند . شاید به ندرت کسی از نفس انجام این طرح و پیامد و نتایج آن ناراضی باشد زیرا کسی که از اتومبیل شخصی خود و از حواشی خیابان به عنوان محل توقف اتومبیل استفاده می‌کند دقیقاً آن محل را برای مدت معین اجاره کرده و هزینه‌ای نیز با توجه به مدت زمان استفاده از آن محیط پرداخت می‌کند . در صورتی که صاحب خودرو پس از استقرار در فضای پارک خودروی خود نسبت به خرید برگه‌هایی که توسط پارکبانان ارائه می‌شود اقدام نکند اعلامیه‌ای بر روی شیشه خودرو الصاق و نسخه دوم آن نیز به راهنمایی و رانندگی ارسال می‌شود و مامورین راهنمایی به استناد آن اعلامیه ، نسبت به جریمه خودرو اقدام می‌کنند .

اما سئوال اینجاست که آیا نیروی انتظامی از رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری که بعد از جنجال‌ها و مخالفت‌های فراوان به نفع شهروندان صادر شد و تصمیم نیروی انتظامی را درخصوص موضوعی که عنوان خواهد شد نقض کرد بی‌خبر و بی‌اطلاع است؟ سال‌های متوالی درجه‌داران و سربازان عادی راهنمایی و رانندگی برای متخلفان برگه جریمه صادر می‌کردند در صورتی که به موجب قانون سابق مصوب سال ۱۳۵۰ درخصوص نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - که در آن تصریح شده است فقط افسران آموزش دیده شهربانی مکلفند در صورت مشاهده مستقیم جرایم راهنمایی و رانندگی توسط رانندگان ، آنان را جریمه نمایند - و پس از آن نیز قانون لاحقی در این خصوص نرسید که ناسخ قانون سابق باشد . سال‌ها راهنمایی و رانندگی به موجب دستورالعمل و یا بخشنامه داخلی درجه‌داران خود را نیز مجاز به صدور برگ جریمه می‌دانست که به دلیل شکایت شهروندی آگاه به حقوق شهروندی و قوانین و مقررات به دیوان عدالت اداری ، تصمیم فوق به دلیل مخالفت صریح با قانون ابطال و جهت اجرا به نیروی انتظامی ابلاغ شد . اکنون شاهد آن هستیم که فقط افسران راهنمایی و رانندگی نسبت به صدور برگ جریمه اقدام می‌نمایند . همان‌طور که همه شاهد آن هستیم پارکبانان محترم که تحت امر نیروی انتظامی و یا هر جای دیگر هستند به موجب قانونی که مذکور افتاد واجد شرایط و صالح برای صدور برگ اخطار یا اعلامیه نیستند . درست است که اصل برگ جریمه توسط افسران راهنمایی صادر می‌شود ولی باید جرم و یا تخلف به رویت مستقیم و تشخیص پلیس راهنمایی رسیده باشد و پس از آن برگ جریمه صادر شود . بنابراین چون بر اصل فعالیت پارکبانان به موجب عقل و منطق ایرادی وارد نیست و وسیله‌ای است برای توزیع مناسب محل پارک برای مردم لذا از نیروی انتظامی انتظار می‌رود با حفظ اصل موضوع پس از هماهنگی با راهنمایی و رانندگی در صورت عدم شارژ پارکبان توسط رانندگان در همان لحظه نسبت به صدور برگ جریمه توسط افسران راهنمایی و رانندگی اقدام شود و یا موضوع به تصویب مجلس رسیده و به عنوان یک مصوبه قانونی این اجازه به افراد شخصی عنوان شده (غیرپلیس راهنمایی) داده شود تا خدای ناکرده شاهد تخلفی از موازین قانونی کشور توسط نیروهای وابسته به دولت نباشیم .

خبرها

جلسه بازپرسی محمدرضا خاتمی به وقت دیگر موکول شد

ایسنا : جلسه بازپرسی محمدرضا خاتمی دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی که بنا بود طی هفته جاری در شعبه ششم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت برگزار شود به وقت دیگری موکول شد . محمدرضا خاتمی صبح دیروز به همراه وکیلش به شعبه ششم دادسرای کارکنان دولت مراجعه کرد که به دلیل حضور نداشتن بازپرس شعبه ، وقت بازپرسی این پرونده به زمان دیگری موکول شد . پیش از این دلیل احضار محمدرضا خاتمی اظهاراتش در تحصن مجلس ششم عنوان شده بود .

امضای یک توافقنامه

شرق : در راستای توسعه آموزش و ترویج اخلاق ، فرهنگ و حقوق شهروندی و توانمندسازی آحاد جامعه و مشارکت مراکز و مجموعه‌های فرهنگی شهر تهران و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود مرکز پاسخگویی توانمندسازی و خدمات الکترونیک قوه قضاییه (۱۲۹) و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ، توافقنامه‌ای را امضا کردند . به گزارش مرکز پاسخگویی ، توانمندسازی و خدمات الکترونیک قوه قضاییه ، بر مبنای این توافقنامه که به امضای معاونان مرکز ۱۲۹ و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران رسیده قرار است طرفین کمیته مشترکی جهت سیاستگزاری و بررسی طرح‌ها و برنامه‌ها تشکیل دهند . محورهای عمده این توافقنامه ، برگزاری دوره‌های حقوق شهروندی و مهارت افزایی در دو سطح عام و ساده ، تاسیس و راه‌اندازی واحدهای مشاوره و حقوق شهروندی در مراکز فرهنگی تابعه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مراکزی که مراجعات شهروندی زیادی دارند است .

مرتضوی: آزادی مطبوعات و بیان مطلق نیست

ایسنا : دادستان عمومی و انقلاب تهران گفت : آزادی مطبوعات و آزادی بیان مطلق نیست و مقید به رعایت موازین شرعی و قانونی است . سعید مرتضوی در جمع خبرنگاران گفت : آزادی بیان و تنوع روزنامه‌ها حاصل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است و در واقع این تنوع به خاطر این است که قانونگذار در قانون اساسی و قانون عادی مشی قانونگذاری‌اش به گونه‌ای بوده که اطلاع‌رسانی آزاد و آزادی بیان به نحو کامل و قانونی رعایت شود . مرتضوی ادامه داد : از هر روزنامه‌ای که با هر نام و هر گرایشی منتشر شود و به تنوع مطبوعات و رونق آنها کمک کند استقبال می‌کنیم . دادستان عمومی و انقلاب تهران گفت : توقع ما از مطبوعات این است که در چارچوب قانون حرکت کنند و به رسالت خودشان که در قانون اساسی و قانون مطبوعات آمده است عمل کنند . وی یادآور شد : حدود و حقوق مطبوعات در قانون است ، اگر این حقوق و حدود را رعایت کنند هیچ مشکلی پیش نمی‌آید . وی خطاب به خبرنگاران افزود : تا یک پرونده قضایی و موضوعی که با حیثیت افراد سر و کار دارد از جهت تحقیقات تکمیل نشده و نهادهای موظف به کشف جرم به وظیفه‌شان به صورت کامل عمل نکرده‌اند ، اظهارنظری درج نکنید .

تایید دوباره حکم باطبی

ایلنا : وکیل مدافع احمد باطبی دانشجویی که در جریان حوادث کوی دانشگاه در سال ۷۸ دستگیر شده بود ، از تایید اصل حکم اعدام موکلش از سوی شعبه ۱۳ هیات تشخیص دیوان عالی کشور خبر داد . خلیل بهرامیان با ابراز تاسف از این مسئله گفت : شعبه ۱۳ هیات تشخیص دیوان عالی کشور تکلیف قانونی داشت که نسبت به رای اعدام موکلم نفیاً یا اثباتاً اظهارنظر کند که متاسفانه بدون هیچ گونه استدلال قانونی رای بدوی را تایید کرد . بهرامیان گفت با موافقت مقام رهبری و استفاده ایشان از اختیاراتش از سوی دادگاه به ۱۵ سال حبس تقلیل پیدا کرد ، بنابراین موکلم باید ۱۵ سال زندان را تحمل کند .

توضیح

در متن گفت‌وگو با خانم بهشید ارفع‌نیا ، مندرج در صفحه ۷ تاریخ ۸۵/۱/۱۷ ، ایشان عضو علی‌البدل هیأت مدیره کانون وکلا هستند و واژه «مالیت» به اشتباه «مالیات» نوشته شده است .